



مرکز رصد فرهنگی کشور

گزارش رصد فرهنگی (۴۲)

# تابعیت مادرانه در تعلیق

خرداد ۱۴۰۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز رصد فرهنگی کشور



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: تابعیت مادرانه در تعلیق

تهیه و تنظیم: مرکز رصد فرهنگی کشور

پژوهشگر: قمر نکاوران

صفحه‌آرایی: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۲

شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای مرکز رصد فرهنگی کشور محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵، تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶، www.ir.cud.ir

گزارش رصد فرهنگی

(۴۲)



**تابعیت مادرانہ در تعلیق**

مرکز رصد فرهنگی کشور

خرداد ۱۴۰۲



## فهرست مطالب

۱	مقدمه و بیان مسئله.....
۲	روش‌شناسی.....
۳	یافته‌ها.....
۳	تاریخچه قانون اعطای تابعیت به مادر ایرانی‌ها.....
۶	ایرادات ماده‌واحد ۸۵.....
۷	تغییرات قانون تابعیت در دهه ۹۰.....
۱۱	ماده ۴۱ طرح سازمان ملی اقامت.....
۱۴	آمارها در مورد مادر ایرانی‌ها چه می‌گویند؟.....
۱۴	وضعیت رفاهی مادر ایرانی‌ها.....
۱۵	نگرش ایرانیان به مادر ایرانی‌ها.....
۱۷	وضعیت اجرای قانون تابعیت مصوب سال ۱۳۹۸.....
۱۹	روایت‌هایی از روند دریافت شناسنامه.....
۲۰	سرگردانی بین قوانین.....
۲۱	ازدواجمان به شناسنامه‌گره خورده.....
۲۲	ما را به حساب نمی‌آورند.....
۲۴	می‌خواهم به کشور خودم خدمت کنم.....
۲۶	هر چی بدبختی می‌کشیم از همین شناسنامه نداشتن است.....
۲۸	مسائل فرهنگی و اجتماعی مادر ایرانی‌ها.....
۲۹	تجربه زیسته تبعیض‌آمیز.....
۳۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۳۲	پیشنهادات.....
۳۴	فهرست منابع.....

## فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: برخی معتقدند ازدواج ایرانی با افغانی باعث آلوده شدن نژاد ایرانی می‌شود. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟ ..... ۱۶
- جدول ۲: به فرزندان زنان ایرانی که با مردان افغانستانی ازدواج می‌کنند، شناسنامه داده می‌شود. شما چقدر با این قانون موافق یا مخالفید؟ ..... ۱۷
- جدول ۳: وضعیت صدور شناسنامه در استان خراسان رضوی ..... ۱۸
- جدول ۴: وضعیت صدور شناسنامه در استان سیستان و بلوچستان ..... ۱۹

## چکیده داده‌ها

- آخرین قانون قابل ارجاع برای تابعیت مادر ایرانی‌ها «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی» مصوب سال ۱۳۹۸ است.
- ماده ۴۱ طرح پیشنهادی سازمان ملّی مهاجرت صراحتاً قانون سال ۱۳۹۸ را لغو می‌کند.
- تعداد افرادی که تا پایان سال ۱۴۰۱ برای دریافت شناسنامه از طریق قانون سال ۱۳۹۸ در سامانه مربوطه ثبت‌نام کرده‌اند، ۱۰۹ هزار و ۱۹۸ نفر ذکر شده است.
- شناسنامه‌های صادر شده بر اساس قانون سال ۱۳۹۸ تا پایان سال ۱۴۰۱ در کلّ کشور ۱۵ هزار و ۸۰۰ نفر بیان شده است.
- تاکنون در استان سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی که بیشترین تعداد مادر ایرانی‌ها را دارند، به ترتیب ۴ و ۳۹۸ شناسنامه صادر شده است.
- بی‌هویتی قانونی مادر ایرانی‌ها نتایج عمیق فرهنگی در زیستار فردی افراد و جامعه پیرامونی به وجود می‌آورد و در نسل‌های بعدی آسیب‌های فرهنگی اجتماعی بزرگ‌تری را در پی خواهد داشت.
- ۵۱/۳ درصد تهرانی‌ها موافق اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی هستند.







## مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز هویت با مسائل مختلفی تعریف می‌شود اما می‌دانیم که همچنان بخش مهمی از هویت فرد با تابعیت او تعریف می‌شود و به عبارتی هویت ملی افراد در معرفی‌شان نقش اساسی دارد. تابعیت در سایه دولت - ملت‌ها معنا پیدا می‌کند و دولت‌ها با اعطای تابعیت به افراد آنان را در زمره شهروندان خود درمی‌آورند. اعطای تابعیت دو مبنا دارد که در کشورهای مختلف متفاوت است؛ خاک و خون. کشورهایی که تابعیت خاک را پذیرفته‌اند، به افرادی تابعیت می‌دهند که در جغرافیای آن دولت متولد می‌شوند. کشورهایی که تابعیت خون را پذیرفته‌اند نیز به افرادی که والدین آنان تابعیت کشور را دارند، تابعیت اعطا می‌کنند. برخی از کشورها هر دو مبنا را پذیرفته‌اند و برخی خیر. در کشور ما مبنای اصلی اعطای تابعیت در قانون مدنی، خون در نظر گرفته شده است؛ اما تأکید بر پدر ایرانی است<sup>۱</sup> و همین

---

۱. ماده ۹۷۶ قانون مدنی - اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱. کلیه ساکنین ایران، به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنان مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم

است که مدارک تابعیت آنان مورد اعتراض دولت ایران نباشد. ←

سرآغاز مشکل تابعیت برای فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی شده و به بی‌شناسنامه‌گی و بی‌تابعیتی در کشور دامن زده است. بسیاری از کشورها این مسئله را در قوانین خود حل کرده‌اند و در حال حاضر فقط در ۷ کشور (قطر، سومالی، سوازیلند، بروئی دارالسلام، ایران، کویت و لبنان) زنان نمی‌توانند از بدو تولد تابعیت خود را به فرزندان‌شان منتقل کنند (به نقل از تکاوران، ۱۳۹۹).

تعداد ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به دلیل جایگاه کشور در مسئله مهاجرت (مهاجرپذیر بودن و مهاجرفرست بودن) قابل توجه است و به تبع آن فرزندان آنان نیز. برخلاف این مسئله و تلاش‌هایی که طی سال‌ها صورت گرفته است؛ اما این مسئله قانونی حل نشده باقی مانده و سیاست‌گذاران ما آن‌طور که باید به آن توجه نکرده‌اند. اینکه وضعیت این نوع ازدواج‌ها و فرزندان حاصل از آن‌ها به لحاظ فرهنگی و اجتماعی به چه صورت است؟ روند قانونی طی شده برای حل آن تا به حال چگونه بوده است؟ و در حال حاضر وضعیت چیست؟ پرسش‌هایی است که در این گزارش در پی تشریح‌شان هستیم.

## روش‌شناسی

این گزارش یک مطالعه اسنادی و میدانی است. با مراجعه به اسناد قانونی، گزارش‌های رسمی، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مختلف و اخبار مرتبط وضعیت و روند قانونی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج

۲. کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا خارجه متولد شده باشند.

۳. کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد.

۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، به‌وجودآمده‌اند.

۵. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به‌وجودآمده پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند. و الا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶. هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷. هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره- اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.

زنان ایرانی با مردان غیرایرانی توصیف خواهد شد. به علاوه وضعیت افراد مورد مطالعه از خلال داده‌های ثبتی، پیمایشی و مردم‌نگارانه پیگیری و شرح داده می‌شود. برای نوشتن این گزارش از داده‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت اجتماعی شهرداری تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دیگر نهادها استفاده شده است.

## یافته‌ها

یافته‌های این گزارش سعی دارد به طور موجز به برخی از ابهامات اصلی پیرامون وضعیت تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی پاسخ بدهد. اینکه در طی این سال‌ها چه گام‌های برای تغییر قانون برداشته شده است؟ تعداد این افراد و وضعیت فعلی قانونی، فرهنگی و اجتماعی‌شان به چه صورت است؟ و در هر کدام از این بخش‌ها چه مسائل و نادیده‌های فرهنگی وجود دارد و چه انتقاداتی به روند موجود وارد است.

## تاریخچه قانون اعطای تابعیت به مادر ایرانی‌ها

به مرور زمان با گسترش مهاجرت در ایران (هم مهاجرت به ایران و هم مهاجرت از ایران) که ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را بیشتر می‌کرد، تعداد فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها نیز بیشتر شد و موضوع تابعیت آنان به مسئله‌ای بدل شد که سیاست‌گذار باید برای آن چاره‌ای می‌اندیشید. در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی به تبع سهل‌گیری‌های کلی، مادر ایرانی‌ها نیز مشکل کمتری داشتند. آنان می‌توانستند با سهل‌گیری‌ها و با ارجاع به بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی<sup>۱</sup> شناسنامه دریافت کنند. در این سال‌ها قانون افغانستان مبتنی بر وحدت تابعیت زوجین

۱. بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی: کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند.

بود؛ یعنی زن ایرانی به محض ازدواج با مرد افغانستانی دیگر افغانستانی شناخته می‌شد (توسلی نائینی و افضلی، ۱۳۹۲). همان‌طور که می‌دانیم بسیاری از این ازدواج‌ها با مردان افغانستانی بود و لذا فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها از پدر و مادر خارجی در ایران متولد شده بودند که مادر متولد ایران بود و طبق بند ۴ می‌توانست تابعیت ایران را اخذ کند. اما در دهه ۸۰ شمسی قانون افغانستان تغییر کرد و دیگر زن خارجی می‌توانست در صورت ازدواج با مرد افغانستانی هم بر تابعیت خود باقی بماند (همان). این نکته و البته دیگر سیاست‌های کلی ایران که رو به خروج مهاجرین از کشور داشت، موجب شد که سخت‌گیری‌ها در اعطای شناسنامه به فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها بیشتر شود.

از دهه ۸۰ بود که روندهای جدی قانونی برای بهبود یا تعیین تکلیف وضعیت زنانی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند و فرزندان‌شان شروع شد. در آبان ۱۳۸۱، طرحی از سوی فراکسیون زنان مجلس، مبنی بر اعطای اجازه اقامت دائم به همسران غیرایرانی زنان ایرانی تقدیم مجلس شد تا به این شیوه زنان ایرانی و فرزندان‌شان مجبور به مهاجرت اجباری نشوند. اما این طرح در گروه اجتماعی مجلس رد شد. از سوی دیگر آیین‌نامه «رویه شناسایی مشکوک‌التابعین و مدعیان تابعیت ایران» در ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۸۳ به تصویب رسید. این آیین‌نامه نیروی انتظامی را موظف می‌کرد تا در طرح شناسایی، ساماندهی و جمع‌آوری اطلاعات رایانه‌ای مدعیان تابعیت ایرانی با وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه، دادگستری و ثبت‌احوال همکاری کند. با تصویب این آیین‌نامه دیگر تقریباً هیچ زن ایرانی نمی‌توانست به استناد نامعلوم بودن همسر یا موقت بودن ازدواج و خودداری همسر از گرفتن شناسنامه برای فرزندی که از مردی افغانستانی داشت، شناسنامه بگیرد؛ زیرا چنانچه او در کامپیوترهای دولتی ثبت نشده بود، نیروی انتظامی مأموران‌ش را برای تحقیق محلی

می‌فرستاد و به‌جای صدور شناسنامه، فرزند او را وارد فهرست افراد مشکوک‌التابعه می‌کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).  
 رؤیت‌پذیری بیشتر این افراد نخستین بار در سرشماری سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاد و پس از آن امور زنان وزارت کشور در این باره گزارشی تهیه کرد (تکاوران، ۱۳۹۹) که سرآغاز پیگیری‌ها برای تعیین تکلیف این افراد و صراحت قانونی در مورد آنان شد. در این سال ماده‌واحد‌ای در مورد تابعیت مادر ایرانی‌ها تصویب شد که به ماده‌واحد ۸۵ شهرت دارد. این ماده‌واحد به شرح زیر است:

**قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی**

ماده‌واحد - فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی اقدام می‌نماید و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران هستند.  
 تبصره ۱ - چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد، باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند.

تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده

باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

## ایرادات ماده‌واحدۀ ۸۵

گذر زمان نشان داد که ماده‌واحدۀ ۸۵ توانایی حلّ مشکل را ندارد. «درواقع ماده‌واحدۀ ۸۵ تفاوت چندانی با بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نداشت و فقط جزئیات سخت‌گیرانه‌تری را به آن اضافه کرده بود. از ایرادات ماده‌واحدۀ ۸۵ این بود که این افراد تا ۱۸ سالگی هویتشان به رسمیت شناخته نمی‌شد و به آنان تابعیت اعطا نمی‌شد و هم اینکه این ماده‌واحدۀ در اجرا مشکل‌ساز بود، به این خاطر که بر ثبت ازدواج تأکید کرده بود و اغلب ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی فقط شرعی بودند و هم به‌خاطر محدودیت زمانی و شرط رد تابعیت پدری» (همان، ۳۰). افراد تا سن ۱۸ سالگی بیشترین نیاز را به شناسنامه دارند، در این سنین است که فرد می‌خواهد تحصیل کند و شخصیتش شکل بگیرد اما بر اساس این ماده‌واحدۀ به این افراد گفته می‌شد که تا ۱۸ سالگی صبر کن و فرد بدون شناسنامه بسیاری از فرصت‌ها را تا این سن از دست می‌دهد. به‌علاوه آمارهای حوزه مهاجرت بیانگر این مهم است که بیش از نیمی از مهاجرین حاضر در ایران بدون مدرک هستند. «تا پیش از به‌هم‌ریختن اوضاع افغانستان در تابستان ۱۴۰۰ تخمین‌ها حاکی از این بود که حدود ۳ میلیون مهاجر در ایران حضور دارد. از این تعداد تقریباً نیمی دارای مدرک و نیمی بدون مدرک بودند... در سرشماری که اوایل سال ۱۴۰۱ انجام شد، تعداد مهاجران داخل ایران دقیق‌تر از قبل مشخص شد. وزارت کشور اعلام کرد که در این طرح سرشماری ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر افراد بدون مدرک مراجعه و ثبت‌نام کرده‌اند. ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر هم کسانی هستند

که مدرک ندارند و برآورد کرده‌اند که بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر نیز مراجعه نکرده‌اند و بنابراین آمار کلی بین ۴ میلیون و ۳۰۰ تا ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است» (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۱۴۰۲: ۲۱-۲۲).

این آمار قابل‌تعمیم به وضعیت ازدواج زنان ایرانی هم هست؛ بسیاری از زنان ایرانی با مردان مهاجری ازدواج کرده‌اند که مدرک ندارند و لذا ازدواجشان فقط شرعی است. هرچند مواردی نیز مشاهده شده است که مرد خارجی مدرک دارد اما ازدواج ثبت‌شده نیست و فقط شرعی است. ماده‌واحدۀ ۸۵ این نکته را در نظر گرفته بود و بر اساس این ماده‌واحدۀ فقط کسانی که پدر و مادرشان ازدواجشان را ثبت کرده بودند می‌توانستند برای تابعیت درخواست بدهند. در مواردی نیز فرد برای ثبت ازدواج اقدام کرده اما تا پروانۀ ازدواج صادر شود و بتواند برای تابعیت درخواست بدهد، فرصت یک‌ساله را از دست می‌داد. در مورد دریافت رد تابعیت کشور پدری هم این مسئله وجود داشت؛ در کشور افغانستان نامۀ رد تابعیت را باید شخص رئیس‌جمهور امضا می‌کرد و از این‌رو گرفتن رد تابعیت خیلی زمان‌بر می‌شد. در موارد بسیاری فرد ده سال منتظر دریافت نامۀ رد تابعیت بود که این امر موجب ازدست‌رفتن فرصت زندگی و جوانی فرد می‌شد. طبق این مشکلات لازم بود که تغییری در قانون سال ۱۳۸۵ اتفاق بیفتد.

### تغییرات قانون تابعیت در دهۀ ۹۰

«در سال ۱۳۹۰ یک فوریت طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر ایرانی محسوب‌شدن فرزندان متولد از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی که طبق مادۀ ۱۰۶۰ قانون مدنی با اخذ مجوز ازدواج کرده‌اند، به تصویب رسید. در طرح مذکور فرزندانانی که پیش از تصویب این قانون از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی متولد شده بودند، به تابعیت ایران درمی‌آمدند. اما کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس



کلیات این طرح را به دلیل ملاحظات سیاسی و امنیتی رد کرد. در سال ۱۳۹۱ طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ تصویب شد. طبق طرح جدید، این فرزندان علاوه بر حق اقامت دائم در ایران همانند شهروندان ایرانی از حق تحصیل، بهداشت و درمان رایگان، تأمین اجتماعی و یارانه برخوردار و همچنین تا سن ۱۹ سالگی از پرداخت تعرفه اقامت نیز معاف می‌شدند. اما این طرح از سوی شورای نگهبان رد شد. ۱۳۹۳ شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، سازمان ثبت احوال و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را ملزم کرد تا راهکاری برای حل مسائل هویتی فرزندان طی ۶ ماه ارائه کنند. در سال ۱۳۹۴ دو فوریت اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی و فرزندان شهدای غیرایرانی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، اما کلیات این طرح در صحن مجلس با اختلاف فقط ۲ رأی تصویب نشد. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف شد تا با همکاری وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه و اطلاعات به منظور حمایت از کودکان فاقد هویت رسمی، طی مدت سه ماه کودکان مورد اشاره را شناسایی و طرح مشترکی را برای تصویب به هیئت دولت ارائه دهد» (حقیقت‌طلب و شهرابی، ۱۳۹۷).

پس از پیگیری‌های انجام شده، در ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۹۷ هیئت دولت لایحه‌ای در این خصوص به مجلس ارائه کرد. کلیات و جزئیات این لایحه در ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ از مجلس شورای اسلامی رأی مثبت گرفت.

#### قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان

##### ایرانی با مردان غیرایرانی

ماده واحده - فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی به درخواست مادر

ایرانی به تابعیت ایران درمی‌آیند. فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی اقدام کند.

تبصره ۱ - در صورتی که پدر و مادر متقاضی در قید حیات نبوده یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح است.

تبصره ۲ - افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند، می‌توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل سوء پیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

«شورای نگهبان به دلایل امنیتی در دو مرحله در ۱۱ خرداد ۱۳۹۸ و ۱۵ مرداد ۱۳۹۸ به این لایحه ایراد وارد کرد و آن را مغایر با بند ۵ اصل سوم قانون اساسی دانست. این بند دولت جمهوری اسلامی ایران را مؤظف می‌کند که همه امکانات خود را برای «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» به کار ببندد و به همین خاطر مجلس برای رفع ایراد وارده، اعطای تابعیت به این فرزندان و اقامت به پدران‌شان را منوط به تأیید وزارت اطلاعات کرد و در مرحله دوم نیز اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اضافه کرد تا این لایحه بتواند در نهایت در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۹۸ با تأیید شورای نگهبان به مصوبه تبدیل شود. آیین‌نامه اجرایی این قانون ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ در هیئت دولت تصویب شد. ۱۳ خردادماه ۱۳۹۹ هیئت وزیران آیین‌نامه اجرایی نحوه اعطای تابعیت به این افراد را تصویب کرد. تغییر محسوسی در این

آیین‌نامه گنجانده شده بود. بخش نخست بند ۶ ماده ۱ آن در مورد مرجع امنیتی گفته بود: «هر یک از دو نهاد امنیتی یا هر دو نهاد با هم؛ این بند مورد اعتراض رئیس مجلس، محمدباقر قالیباف، قرار گرفت و مغایر با اصل قانون دانسته شد که در تاریخ ۱ مرداد ۱۳۹۹ به شکل «هر دو نهاد مندرج در قانون اصلاح شد» (تکاوران، ۱۳۹۹: ۳۰-۳۱). هرچند در ۲۴ آبان ۱۳۹۹ اولین شناسنامه بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۹۸ صادر شد اما در آیین‌نامه اجرایی این قانون تغییراتی داده شد که دریافت شناسنامه را برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی سخت‌تر کرد و در مواردی حتی مطابق با قانون مصوب مجلس نیز نبود:

الف) در متن این قانون از عبارت ازدواج شرعی میان زنان ایرانی و مردان غیرایرانی استفاده شده است، اما در متن آیین‌نامه اجرایی این قانون، به‌منظور عدم تعارض با ماده (۱۰) این شرط گذاشته شد که برای ازدواج‌های پیش از تصویب آیین‌نامه، ملاک شرعی بودن ازدواج و برای ازدواج‌های پس از تصویب آیین‌نامه، ملاک ثبت رسمی ازدواج باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰) که البته در عمل این هم اجرا نمی‌شود و دیده شده که برای ازدواج‌های پیش از تصویب آیین‌نامه هم عقدنامه شرعی را برای تشکیل پرونده قبول نکرده‌اند (روزنامه شرق، ۱۴۰۱).

ب) اضافه شدن شرط وجود مدارک اقامتی پدر غیرایرانی به‌وسیله دفاتر کفالت اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی جهت تشکیل پرونده؛ درحالی‌که در متن قانون و آیین‌نامه اجرایی اولیه آن احراز غیرایرانی بودن پدر کافی دانسته شده، اما دستگاه‌های اجرایی مدرک اقامت قانونی پدر را نیز طلب می‌کنند که بسیاری از این افراد را از دریافت شناسنامه محروم می‌کند.

۱. متن آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۹۹ در سایت روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران از لینک زیر در دسترس است:  
<https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=22043>

پ) محرومیت نسل دوم فرزندان مادر ایرانی بی‌شناسنامه از دریافت شناسنامه بر اساس آیین‌نامه اجرایی؛ بر اساس بند «۵» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی مادر ایرانی در حین تولد فرزند باید خود صاحب شناسنامه باشد. در تعدادی از متقاضیان مادر ایرانی خود بعد از تولد فرزند به شناسنامه دست یافته که این خود باعث محرومیت فرزند از شناسنامه شده است. ت) حذف شرط مهلت زمانی برای استعلامات امنیتی در آخرین شیوه‌نامه اجرایی قانون؛ در ماده واحد قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب ۱۳۹۸، در خصوص مدت زمان ارسال پاسخ استعلام امنیتی چنین آمده است: «پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود». این نکته در آیین‌نامه اجرایی ابتدایی نیز ذکر شد اما این تبصره در آذرماه ۱۳۹۹ از شیوه‌نامه جدید ابلاغی از سوی وزیر کشور به استناداران سراسر کشور حذف شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).

در مواردی پس از گذشت سه سال همچنان نامه‌های استعلام‌های امنیتی بدون جواب مانده است و این در استان خراسان رضوی که می‌دانیم جزء استان‌هایی است که بیشترین تعداد مادر ایرانی‌ها را دارد، بیش از بقیه استان‌ها به چشم می‌خورد.

مادر ایرانی‌ها برای دریافت شناسنامه باید اثبات کنند فرزند این مادر هستند و اگر مدرکی ندارند باید از دادگاه تأیید بگیرند، لازمه گرفتن تأیید از دادگاه نیز آزمایش DNA هست. به دلیل شرایط حقوقی، اقتصادی و معیشتی این خانواده‌ها این مسئله‌ای شده که برخی از فرزندان این نوع خانواده‌ها از دستیابی به شناسنامه بازمانند.

### ماده ۴۱ طرح سازمان ملی اقامت

علاوه بر نکات ذکر شده در بالا، بخشی از نظام حکمرانی کشور با این قانون همراهی ندارد و مخالفشان موجب شده که تاکنون همت

کافی برای اجرای قانون مصوب سال ۱۳۹۸ نداشته باشند و آثار این مخالفت را در کلیات قانون سازمان مللی اقامت یا مهاجرت که در تاریخ ۲۲ آبان ۱۴۰۱ تصویب شد نیز می‌بینیم. در ماده ۴۱ این قانون تابعیت مادر ایرانی‌ها لغو شد. ماده ۴۱ متن کامل طرح تشکیل سازمان مللی اقامت به شرح زیر است:

قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ از زمان لازم‌شدن این قانون به استثنا افرادی که در سامانه مذکور ثبت نام کرده‌اند، لغومی گردد.

بررسی طرح سازمان مللی اقامت و ایرادات آن<sup>۱</sup> در این مقال نمی‌گنجد و جزئیات بسیار دارد؛ به‌طور خلاصه باید متذکر شد که این مصوبه اولاً فقط بر مهاجران خارجی حاضر در ایران تمرکز کرده و به دیگر انواع مهاجرت توجهی نشان نداده است و در همین باره نیز تغییر چندانی در وضعیت مهاجران حاضر در ایران ایجاد نمی‌کند. بر اساس این مصوبه اداره اتباع وزارت کشور به سازمان ارتقا پیدا می‌کند و نکته منفی بارزش این است که تابعیت مادر ایرانی‌ها را لغو می‌کند (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۱۴۰۲) که حتی نمی‌توانیم آن را بازگشت به عقب تلقی کنیم چون همواره طی دهه‌های گذشته روزه‌ای برای دریافت تابعیت این افراد وجود داشته است و تعدادی هرچند اندک می‌توانستند تابعیت بگیرند و بالاخره ماده قانونی برای ارجاع وجود داشت اما با لغو قانون سال ۱۳۹۸ این افراد کلاً بلا تکلیف رها خواهند شد.

برای نهایی شدن این مصوبه، جزئیات طرح سازمان مللی اقامت باید در مجلس طرح و مورد تصویب قرار بگیرد. برخی از نمایندگان مجلس خواستار رسیدگی به طرح تأسیس سازمان مللی اقامت بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی شدند که در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ رد شد.

۱. ایرادات مصوبه سازمان مللی مهاجرت به اختصار در گزارش شماره ۴۰ مرکز رصد فرهنگی کشور با عنوان «وضعیت مهاجرت ایران» آورده شده است.

### اصل هشتاد و پنجم

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آن‌ها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

با وجود اینکه طرح سازمان ملی اقامت در مجلس طرح شده و کلیات آن مورد تصویب قرار گرفته و ماده ۴۱ آن به صراحت تابعیت فرزندان مادر ایرانی را لغو کرده است، برخی از نمایندگان مجلس از آن اطلاع دقیق ندارند و در مصاحبه‌ها گفته‌اند که ماده ۴۱ به دنبال ساماندهی وضعیت است و قانون تابعیت به فرزندان زنان ایرانی که همسر خارجی دارند، حذف نخواهد شد بلکه می‌خواهد به روز شود (خبر آنلاین، ۱ و ۲ آذر ۱۴۰۱). همین‌ها نشانگر این است که در برای تصویب این طرح شتابزده عمل شده است و نیازمند تأمل و بحث بیشتر در این باره هستیم.

## آمارها در مورد مادر ایرانی ها چه می گویند؟

در مورد تعداد مادر ایرانی ها هنوز هم آمار دقیقی در دست نیست. رسول صادقی و محمدجلال عباسی شوازی در مطالعه‌ای جمعیت‌شناختی در سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹، تعداد ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را ۳۵ هزار دانسته‌اند و باتوجه‌به متوسط باروری ۳ الی ۴ نفر، تعداد فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها را ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده‌اند (عباسی شوازی، صادقی و همکاران، ۲۰۰۸) که حالا باتوجه‌به دیگر آمارهای منتشر شده، به نظر می‌رسد این تخمین به واقعیت نزدیک باشد.

اولین آمار ثبتی را وزارت رفاه منتشر کرد؛ این وزارتخانه در سال ۱۳۹۶ مطالعه‌ای در مورد این افراد انجام داد، از افراد خواسته شد در صورتی که همسر غیرایرانی دارند، شماره ملی خود را پیامک کنند. طی ۴۰ روز ۲۵ هزار پیامک دریافت شد، از این تعداد اطلاعات ۱۵ هزار خانوار و حدود ۸۰ هزار نفر ثبت شد که ۴۸ هزار فرزند بدون شناسنامه داشتند (وزارت رفاه، ۱۳۹۷).

بنا بر آخرین اظهارات مدیر کل اداره اتباع خارجی وزارت کشور در ۳ خردادماه ۱۴۰۰، حدود ۹۰ هزار نفر فرزند مادر ایرانی و پدر خارجی در سامانه‌های این اداره درخواست شناسنامه داده‌اند. مدیر کل اداره اتباع خارجی وزارت کشور در همین مصاحبه تصریح کرد که به دلیل وجود ثبت‌نام‌های تکراری احتمالاً تعداد واقعی متقاضیان میان ۷۰ تا ۷۵ هزار نفر وجود دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰). بنا بر آخرین آمار وزارت کشور، تا پایان سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۰۹ هزار و ۱۹۸ نفر برای دریافت شناسنامه مطابق با قانون مصوب سال ۱۳۹۸ در سامانه ثبت‌نام کرده‌اند.

## وضعیت رفاهی مادر ایرانی ها

بر اساس پیمایش سال ۱۳۹۶ وزارت رفاه، «بیشترین تعداد مهاجرین مزدوج با زنان ایران، از ملیت‌های افغانستانی، عراقی و پاکستانی هستند.

بیشتر این افراد در استان‌های خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، تهران و قم سکونت دارند. همچنین اکثریت این خانوارها از نظر رفاهی در وضعیت محرومی قرار دارند و حدود ۶۰ درصد این خانوارها در سه دهک پایین رفاهی قرار دارند. همچنین حدود ۴۵ درصد از این خانوارها موفق به اخذ گواهی تولد برای کودکان خود نشده‌اند. این پدیده بیشتر در میان استان‌های شرقی و جنوبی کشور دیده می‌شود. وضعیت تحصیل فرزندان این خانواده‌ها نیز نامناسب است، به گونه‌ای که ۴۵/۵ درصد از آنان مجبور به ترک تحصیل شده‌اند. این در حالی است که میانگین بُعد این خانوارها ۵/۲ است و بیشتر از میانگین بُعد خانوار در کل کشور (حدود ۳/۳) است. نتایج نشان می‌دهد بیش از ۷۵ درصد همسران این خانوارها فاقد توانایی کار در بازار رسمی (فاقد گواهی کار، فوت شده یا از کار افتاده) هستند. همچنین به طور میانگین حدود ۷۵ درصد افراد این خانوارها فاقد هرگونه پوشش بیمه یا نهاد حمایتی هستند. با وجود این شرایط در کمتر از ۸۰ درصد این خانوارها همسر خارجی با خانواده خود زندگی می‌کند» (وزارت رفاه، ۱۳۹۷: ۴).

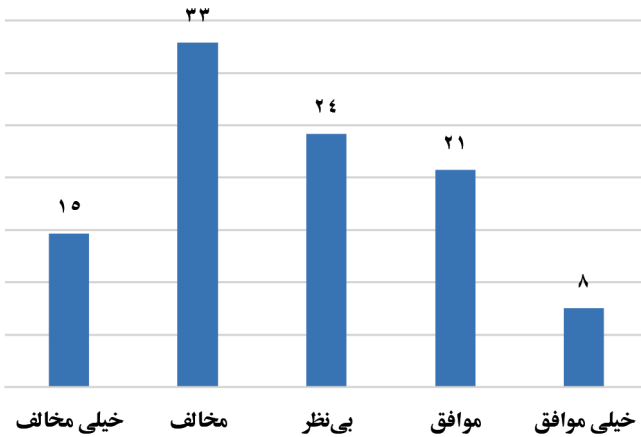
### نگرش ایرانیان به مادر ایرانی‌ها

در سال ۱۳۹۸ معاونت اجتماعی شهرداری تهران با همکاری دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات پیمایشی تحت عنوان «نگرش ایرانیان به مهاجران افغانستانی» با نمونه ۱۱۲۸ نفر در سطح مناطق ۲۲ گانه تهران انجام داد که دو سؤال آن به مادر ایرانی‌ها اختصاص داشت. در یکی از سؤالات پرسیده شده است: «برخی معتقدند ازدواج ایرانی با افغانی باعث آلوده شدن نژاد ایرانی می‌شود. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟» پاسخ‌ها به شرح ذیل است؛ در مجموع ۴۷/۶ درصد با این نظر مخالف یا خیلی مخالف بوده‌اند و ۲۸/۲ درصد با این نظر موافق یا خیلی موافق بوده‌اند و بقیه گزینه بی‌نظر را انتخاب کرده‌اند.



جدول ۱: برخی معتقدند ازدواج ایرانی با افغانی باعث آلوده شدن نژاد ایرانی می‌شود. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟

گزینه	درصد
خیلی مخالف	۱۴/۷
مخالف	۳۲/۹
بی نظر	۲۴/۲
موافق	۲۰/۷
خیلی موافق	۷/۵

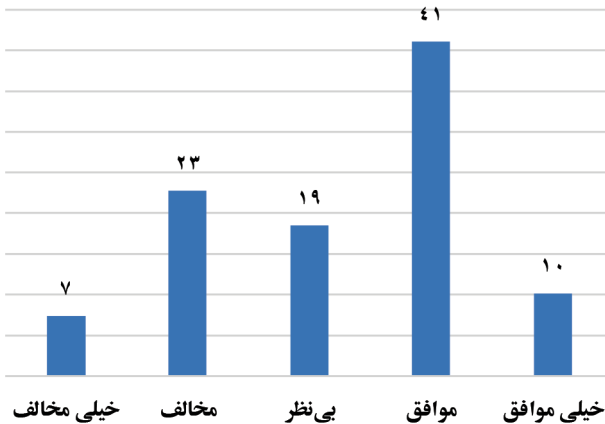


نمودار ۱: برخی معتقدند ازدواج ایرانی با افغانی باعث آلوده شدن نژاد ایرانی می‌شود. شما با این نظر چقدر موافق یا مخالفید؟

در سؤال دیگری پرسیده شده که: «به فرزندان زنان ایرانی که با مردان افغانستانی ازدواج می‌کنند، شناسنامه داده می‌شود. شما چقدر با این قانون موافق یا مخالفید؟» در مجموع ۵۱/۳ درصد با این قانون موافق و خیلی موافق بوده‌اند و ۳۰/۲ درصد مخالف یا خیلی مخالف بوده‌اند. ۱۸/۵ درصد نیز گزینه بی نظر را انتخاب کرده‌اند.

جدول ۲: به فرزندان زنان ایرانی که با مردان افغانستانی ازدواج می‌کنند، شناسنامه داده می‌شود. شما چقدر با این قانون موافق یا مخالفید؟

گزینه	درصد
خیلی مخالف	۷/۴
مخالف	۲۲/۸
بی‌نظر	۱۸/۵
موافق	۴۱/۱
خیلی موافق	۱۰/۲



نمودار ۲: به فرزندان زنان ایرانی که با مردان افغانستانی ازدواج می‌کنند، شناسنامه داده می‌شود. شما چقدر با این قانون موافق یا مخالفید؟

### وضعیت اجرای قانون تابعیت مصوب سال ۱۳۹۸

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است که تا پایان مهرماه ۱۴۰۰ تعداد متقاضیان دریافت شناسنامه در کل کشور ۹۰ هزار نفر بوده و از این تعداد فقط ۵ هزار نفر موفق به دریافت شناسنامه شده‌اند. بر اساس آخرین اطلاعات وزارت کشور تا پایان سال ۱۴۰۱ تعداد ثبت‌نام سامانه ۱۰۹ هزار و ۱۹۸ نفر بوده و تعداد ۵۱ هزار و ۳۰۰ نفر در کل کشور پرونده

خود را تکمیل کرده و ثبت‌نامشان نهایی شده است و تعداد شناسنامه‌های صادرشده در کل کشور نیز ۱۵ هزار و ۸۰۰ نفر بیان شده است. در استان خراسان رضوی تا اردیبهشت ۱۴۰۲ حدود ۳۴۱۰۰ نفر در سامانه ثبت‌نام کرده‌اند و از این تعداد حدود ۱۹۵۰۰ نفر تشکیل پرونده داده‌اند. حدود ۱۵۰۰۰ استعلام برای نهادهای مسئول امنیتی ارسال شده است و تنها به ۳۶۰۰ استعلام پاسخ داده شده و در نهایت تا تاریخ ذکر شده فقط ۳۹۸ شناسنامه در این استان صادر شده است. به نظر می‌رسد مشکل اصلی در این استان عدم پاسخ برخی نهادهای امنیتی است که نه پرونده‌ها را رد و نه تأیید می‌کند. از برخی از نامه‌های استعلام بیش از سه سال می‌گذرد اما هیچ پاسخی داده نشده است.

جدول ۳: وضعیت صدور شناسنامه در استان خراسان رضوی

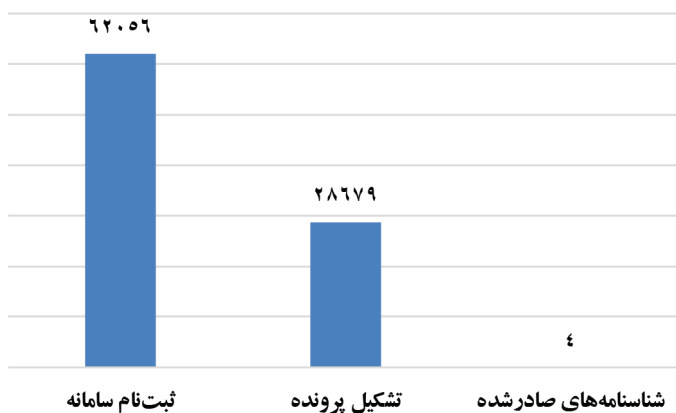
استان خراسان رضوی	
ثبت‌نام سامانه	۳۴۱۰۰ نفر
تشکیل پرونده	۱۹۵۰۰ نفر
شناسنامه‌های صادرشده	۳۹۸



وضعیت اجرای قانون تابعیت مصوب سال ۱۳۹۸ در استان سیستان و بلوچستان تا اردیبهشت ۱۴۰۲ به این ترتیب بیان شده است؛ ۶۲۰۵۶ نفر از ۱۳۸۴۷ خانوار در سامانه ثبت نام کرده اند. از این تعداد ۲۸۶۷۹ نفر از ۷۲۴۸ خانوار تشکیل پرونده داده اند و تنها برای چهار نفر از یک خانوار شناسنامه صادر شده است. علت رد مابقی استعلام منفی نهادهای امنیتی بیان شده است.

جدول ۴: وضعیت صدور شناسنامه در استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان		
خانوار	نفر	
۱۳۸۴۷	۶۲۰۵۶	ثبت نام سامانه
۷۲۴۸	۲۸۶۷۹	تشکیل پرونده
۱	۴	شناسنامه های صادر شده



نمودار ۴: وضعیت صدور شناسنامه در استان سیستان و بلوچستان

### روایت هایی از روند دریافت شناسنامه

همه مصاحبه هایی که مبنای روایت های ذیل هستند، در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۲ به صورت تلفنی گرفته شده اند. هدف از این روایت ها

این است که آخرین شرایط مادر ایرانی‌ها و روندی که بر اساس قانون جدید درخواست تابعیت داده‌اند، تشریح و واکاوی شود.

### سرگردانی بین قوانین

حمیدرضا ۲۴ سال پیش از مادری ایرانی و پدری افغانستانی در مشهد متولد شد. با وجود اینکه همه مدارک قانونی بود و دوندگی‌های بسیار کردند اما همچنان تنها مدرک هویتی‌اش کارت آمایش است و به‌عنوان پناهنده در ایران زندگی می‌کند. به نظرم می‌رسد ما با قوانین مان حتی داریم معنای پناهنده را هم عوض می‌کنیم. سال ۱۳۸۵ که قانون تابعیت مادر ایرانی‌ها تصویب شد، خیلی زود ازدواج پدر و مادر را ثبت کردند و رفتند دنبال گرفتن شناسنامه؛ بعد از رفت و آمدهای بسیار به تهران و بردن و آوردن نامه‌ها، به حمیدرضا گفتند با تابعیت موافقت شده و باید رد تابعیت افغانستان را بیاوری. به دنبال گرفتن رد تابعیت بود و امیدی در دلش زنده شده بود، بالاخره شناسنامه می‌گیرد و از نیش و کنایه‌هایی که پیش‌تر در مدرسه از معلم و بچه‌ها می‌شنید برای همیشه رها می‌شود، با خانمی ایرانی ازدواج کرد که قانون عوض شد. درخواست‌هایی که بر اساس قانون قبل ثبت شده بود، متوقف شد و گفتند باید دوباره درخواست بدهی. چاره‌ای نبود، دوباره درخواست داد و همه چیز را تکمیل کرد و گفتند فقط باید منتظر بماند اما بعد از گذشت شش ماه متوجه شد که در یکی از فرم‌ها اطلاعات دقیق وارد نشده و پرونده ناقص شناخته شده و وارد مرحله بعد نشده است. دوباره پرونده را تکمیل کرد و حالا یک‌سال و نیم است که منتظر پاسخ است و خبری نیست.

حمیدرضا حالا خود پدر دو پسر ۴ و ۲ ساله است که تنها مدرک شناسایی‌شان گواهی ولاتشان است. می‌گوید: وضعیت خواهرهایم بالاخره درست می‌شود، درخواست شناسنامه داده‌اند و منتظرند اما اگر این هم نشد، در نهایت اگر ازدواج کنند، می‌توانند شناسنامه بگیرند. من

نگران پسرهایم هستم، نمی‌خواهم آن‌ها هم مثل خودم بزرگ شوند. مشکلات مدرسه زیاد بود، نتوانستم بیشتر از دیپلم درس بخوانم. حالا هم که سخت کار می‌کنم اما بیمه ندارم، کارت بانکی را به‌سختی می‌گیرم و باید پولی را در بانک بلوکه کنم، اگر همه سپرده را بردارم، کارتم می‌سوزد. نتوانستم گواهینامه هم بگیرم با اینکه قانونش هست، با ترس ولرز ماشین و موتور سوار می‌شوم با اینکه وسیله‌های خودم هست.

حمیدرضا از تغییرات قوانین و پیگیری‌ها خسته شده است. می‌گوید: ما هنوز مرز افغانستان را هم ندیده‌ایم اما می‌گویند شما افغانستانی هستید، سر کار که اگر بدانند برده‌ات می‌کنند. هر روز قانون عوض می‌شود و آدم را امیدوار می‌کنند اما اجرا نمی‌شود. انگار کلاً ما باید برویم بمیریم. ما نباید زندگی کنیم. همیشه بلا تکلیفیم. حالا می‌گویند امنیتی جواب نمی‌دهد. امنیتی که جاست؟ خدا می‌داند. خود اداره اتباع می‌گوید امنیتی در ماه شاید جواب یکی از نامه‌ها را بدهد. در سیستان و بلوچستان و مشهد خیلی اذیت می‌کنند. اگر نمی‌خواهند بدهند، بگویند نمی‌دهیم. حداقل تکلیفمان روشن شود. من برای بچه‌هایم درخواست ندادم چون گفتند صبر کن شناسنامه خودت بیاید و راحت از ثبت احوال برای آن‌ها شناسنامه بگیر. حالا اگر زمان بگذرد، این بچه‌ها بزرگ‌تر شوند و نیاز پیدا کنند، نمی‌دانم باید برایشان چه کار کنم؟!

### از دواجمان به شناسنامه گره خورده

چند روزی بود که تلاش می‌کردم با سمیرا وقتی برای مصاحبه هماهنگ کنم اما موفق نمی‌شدم. برای چندمین بار پیام دادم که پرسش کی وقت دارد؟ در جوابم گفت که دوستم می‌خواهد با شما صحبت کند و اگر ایرادی ندارد، شماره‌تان را بدهم؟ استقبال کردم و فرزانه تماس گرفت. دخترکی که از من راه‌حلی برای بلا تکلیفی‌اش می‌خواست یا شاید حرف زدن در مورد شرایطش با من را گامی می‌دید چون به راه بادیه رفتن، به از نشستن باطل!

فرزانه اهل کرج بود و ۲۶ سال داشت. او ۸ سال پیش با پسری که سه سال از خودش بزرگتر بود و در رستوران بستگانشان کار می‌کرد، آشنا شده بود. پسری که پس از مدتی متوجه شد، هیچ مدرک شناسایی ندارد اما این مانع تصمیم فرزانه برای ازدواج با او نشده بود. با تأکید گفت: «خیلی خیلی خیلی دوستش دارم». خانواده فرزانه با ازدواجش با حسن مخالفت کرده بودند و گفتند تا شناسنامه نگیرد، به این ازدواج رضایت نمی‌دهند. حالا هر دو افتاده‌اند پی اخبار، دادگاه و اداره اتباع برای گرفتن شناسنامه.

حسن از مادری ایرانی و پدری افغانستانی در مشهد متولد شده است و دو برادر هم دارد که شرایط خودش را دارند؛ هیچ مدرکی ندارد و حالا برای شناسنامه درخواست داده‌اند و ۴ سال است که چشم‌انتظارند. چون تنها مدرکشان کارت واکسن بوده است، به دادگاه رفته و بعد از دوندگی‌های بسیار توانسته‌اند با جمع‌آوری استشهاد محلی رأی دادگاه را بگیرند. حالا منتظر صدور رأی امنیتی هستند اما هر بار مراجعه و پیگیری در این سال‌ها بی‌نتیجه بوده است.

فرزانه می‌گوید: انگار دنیا روی سرم خراب شده و بلا تکلیفم. نمی‌دانم باید چه کار کنم؟! می‌گویم کاش تهران درخواست داده بودیم، انگار به پرونده‌های تهرانی‌ها سریع‌تر رسیدگی می‌کنند. از صبح که بیدار می‌شوم، شناسنامه می‌آید جلوی چشمم، آن‌قدر فکرم درگیر شناسنامه حسن است. تاکی باید منتظر باشند؟ بالاخره این‌ها باید از بلا تکلیفی دریابند. این‌طور خیلی بیشتر اذیت‌کننده هست. آدم بدانند نمی‌دهند، فکرش خیلی آزادتر است. حداقل از اینجا می‌رود، می‌رود کشور دیگری. روی هوا باشی خیلی بدتر است.

### ما را به حساب نمی‌آورند

سمیرا ۲۵ ساله است و در قوچان بزرگ شده است. ۵ سال داشت وقتی که پدرش فوت کرد. ده سال قبل برای بهبود وضعیتشان به چناران نقل مکان کرده بودند. اینجا دیگر نمی‌خواستند کسی بداند که شناسنامه ندارند. می‌گوید:

وقتی می‌دانند که شناسنامه نداری، همه به چشم دیگری بهت نگاه می‌کنند. ما در روستا زندگی می‌کردیم، همه روستا مثل اینکه آدم باشی اصلاً بهت نگاه نمی‌کردند. اصلاً ما را آدم به حساب نمی‌آوردند. این سال‌هایی که در چناران زندگی کردیم به هیچ‌کسی نگفتیم و همسایه‌ها نمی‌دانند که ما شناسنامه نداریم و پدرمان افغانستانی است. خیلی وضعیت سختی است.

سمیرا سه برادر و یک خواهر دارد. بچه‌ها قدونیم‌قد بودند که پدر فوت می‌کند. مادرش مجبور می‌شود هر جایی که کاری پیدا کند، انجام بدهد تا بچه‌ها را بزرگ کند. هیچ‌کدام از بچه‌ها هیچ مدرک شناسایی ندارند. شورای روستا کمک کرده بود و برگه ترددی برای بچه‌ها صادر کرده بودند که دو ماه یک‌بار باید تمدید می‌شد و هنوز هم تنها مدرک شناسایی بچه‌ها بود. سمیرا و خواهر و برادرهایش تنها سواد خواندن و نوشتن داشتند، تا پنجم ابتدایی را مدرسه رفته بودند، بدون اینکه پرونده‌ای در مدرسه داشته باشند و فقط سواد یاد گرفته بودند.

سمیرا می‌گوید: چون داداش‌هایم کار می‌کنند، کارهای اداری همه خانواده را من انجام می‌دهم. پدرمان فوت‌نامه نداشت و پول زیادی به وکیل دادیم تا توانستیم فوت‌نامه پدرمان را درست کنیم. به‌علاوه چون گواهی ولادت نداشتیم، باید اثبات نسب می‌کردیم و دادگاه باید رأی می‌داد. چون پول DNA را نداشتیم، دادگاه سه بار درخواستمان را رد کرد و دفعه چهارم رأی داد. من مجبورم تنهایی دنبال کارها بروم و حتی مجبور شدم با وکیلی به دادگاه بروم که چشمش ناپاک است. دو سال دوندگی کردم تا فوت‌نامه پدر و رأی دادگاه اثبات نسبمان را بگیرم. سال ۱۴۰۰ بالاخره موفق شدیم پرونده را تکمیل کنیم و حالا دو سال است که منتظریم پاسخ بدهند.

سمیرا ادامه می‌دهد: مشهد برای مصاحبه‌ها خیلی سخت می‌گیرند. من پرس‌وجو کرده‌ام شهرهای دیگر این‌طور نیست. در مشهد اطلاعات عمومی مادرت را هم می‌خواهند و با آن‌ها هم حرف می‌زنند. مادر من از



کودکی با خانواده پدری اش که اهل تبریز هستند، قطع ارتباط بوده چون مادرش زن دوم بوده و از همسرش جدا شده است. ما اصلاً با آن‌ها ارتباطی نداریم. همه نگرانی من از بابت این است که اگر در مصاحبه از خانواده پدری مادرم اطلاعات و مصاحبه بخواهند، باید چه کار کنیم؟! شرایط زندگی و کار ما خیلی سخت است، حتی نمی‌توانیم ازدواج کنیم. اگر نمی‌خواهند به ما شناسنامه بدهند، حداقل مدرکی بدهند که راحت‌تر زندگی کنیم.

### می‌خواهم به کشور خودم خدمت کنم

بعد از چندین روز تلاش برای هماهنگی بالاخره موفق شدم با علی صحبت کنم. او از مادری آبادانی و پدری عراقی در بندر لنگه متولد شده است و اکنون در بندر ام‌القصر استان بصره زندگی می‌کند. پدر و مادر علی فامیل بودند و از یک طایفه اما به‌خاطر مرزبندی‌ها یکی ایرانی شده و دیگری عراقی. پدر علی در زمان جنگ ایران و عراق دانشجوی کامپیوتر بود و به‌خاطر اینکه مجبور نشود علیه ایران بجنگد، سال ۱۳۶۵ به ایران می‌آید و وارد سپاه بدر می‌شود. به جبهه می‌رود و بعد از تمام‌شدن جنگ با یکی از دختران فامیلشان که در آبادان ساکن بودند، ازدواج می‌کند.

خانواده علی به دلیل کار پدر در استان هرمزگان و فارس هم زندگی می‌کنند و در نهایت در کرمانشاه ساکن می‌شوند و سال‌های زیادی از زندگی‌شان را آنجا می‌گذرانند، سال‌هایی که علی از آن‌ها به‌خوبی یاد می‌کند. می‌گوید: زندگی آنجا بهتر بود، مردم به پدرم خیلی احترام می‌گذاشتند. بعد از سقوط صدام این شایعه پخش شد که حکومت ایران می‌خواهد عراقی‌ها را بیرون کند. از همین رو پدر تصمیم می‌گیرد به عراق نقل مکان کند تا فرزندانش از تحصیل بازمانند. علی که فرزند بزرگ خانواده بود، در زمان مهاجرت به عراق ۱۳ سال داشت، یک برادر و خواهرش هم در ایران به‌دنیا آمده‌اند و برادر کوچکش در عراق. علی می‌گوید: در مدرسه که بودیم سر مسائل مختلف می‌آمدند و

می‌گفتند اتباع خارجی بیایند بیرون. هیچ‌وقت دوست نداشتم جلوی هم‌کلاسی‌هایم مرا خارجی بنامند. اینجا در عراق هم ما را قبول ندارند و خیلی اذیت شدیم چون مادرم ایرانی است و از ایران آمده‌ایم. اینجا بیشتر مردم از ایران متنفرند حتی شیعه‌ها و می‌گویند شما از ایران هستید. با اینکه پدر من از یکی از قبیله‌های بزرگ عرب است اما ما را قبول ندارند. او ادامه می‌دهد: هر کسی دردی دارد، اما حداقل آن‌هایی که داخل ایران هستند، داخل کشور خودشان هستند. ما اینجا داریم با مردمی زندگی می‌کنیم که فرهنگ دیگری دارند و ما را قبول ندارند. در مجمعی که زندگی می‌کنیم کسی ما را قبول ندارد و اذیت‌مان می‌کنند. کسی فامیل من را نمی‌گوید، همه به من می‌گویند علی ایرانی. در محل کار هم همین‌طور است؛ من یک پزشک داروسازم و در بیمارستان دولتی کار می‌کنم اما مدیر بیمارستان همه حق و حقوق من را سلب کرده چون فهمیده است که من از ایران آمده‌ام. حالا این مدیر بیمارستان هم شیعه و طرف‌دار صدر است. من الان به‌دلیل همین مسائل می‌خواهم کارم را عوض کنم و بروم جایی که مسیرش برایم دورتر است. از طرفی ما الان نمی‌توانیم بیاییم ایران، من الان ۳۲ ساله هستم، چند سال پیش آمدم ایران برای گرفتن اقامت اما موافقت نکردند، گفتند حتی اگر کل خانواده هم برگردند و اینجا زندگی کنند چون سنت بالا رفته است، دیگر اقامت مادر بهت تعلق نمی‌گیرد. او دل‌پُری از نداشتن شناسنامه ایرانی دارد و می‌گوید: این شناسنامه خیلی برای ما مشکل ایجاد کرده است. من حتی می‌خواستم با دخترخاله‌ام ازدواج کنم اما درنهایت خانواده‌اش به‌خاطر شناسنامه نداشتم رضایت ندادند.

سفارت ایران در عراق اول درخواست‌های زیر ۱۸ سال را ثبت کرده است. خانواده به‌محض اینکه از قانون جدید مطلع شد، کارهای اداری برای گرفتن شناسنامه بچه‌ها را پیگیری کرد. ازدواج پدر و مادر را ثبت کردند و برای پسر کوچک که زیر ۱۸ سال بود درخواست داد و

بعدش هم بقیه. حالا از درخواست زیر ۱۸ ساله‌ها سه سال و بقیه دو سال می‌گذرد اما هیچ خبری نیست.

علی می‌گوید: ما را از این برزخی که هستیم بیرون بیاورید. ما هر روز این سه سال را منتظر بودیم که به ما زنگ بزنند و بگویند برای مصاحبه بیایید. جالب است که در دانمارک و دویی شناسنامه صادر شده اما در عراق تا آنجایی که من پیگیری کردم بیشتر از هزار درخواست ثبت شده اما به هیچ‌کسی هنوز شناسنامه نداده‌اند. به ما هم هیچ خبری نمی‌دهند. فقط یک‌سال پیش شماره‌ای از تهران دادند که تماس بگیریم. دو ماه پیش که موفق شدیم با آن شماره صحبت کنیم، به مادرم گفتند پاسخ شما را به کنسولگری داده‌ایم و دیگر تماس نگیرید، اما به کنسولگری که مراجعه می‌کنیم، می‌گویند جوابی دریافت نکرده‌اند. من دوست دارم به مردم خودم خدمت کنم. هیچ‌چیزی هم نمی‌خواهم؛ نه یارانه، نه سهام عدالت. حاضرم بروم در سیستان و بلوچستان هم سربازی‌ام را بگذرانم.

### هر چی بدبختی می‌کشیم از همین شناسنامه نداشتن است

می‌دانستم که مادر ایرانی‌های بسیاری در سیستان و بلوچستان هستند اما هیچ‌وقت نتوانسته بودم با کسی از آنجا صحبت کنم. این بار مصر بودم که حتماً ارتباط بگیرم. بعد از پیگیری‌ها بالاخره موفق شدم یک نفر را پیدا کنم که تمایل داشت در این باره صحبت کند. محمد ۳۰ ساله و متولد مینودشت بود و در روستای چاه جمال زندگی می‌کرد. مادرش ایرانی و اهل مینودشت استان گلستان بود و پدرش اهل افغانستان. پدر محمد سنی بود و خانواده مادری شیعه. پدر و مادر محمد در سال ۱۳۶۸ ازدواج شرعی کرده بودند و در مینودشت زندگی می‌کردند. پای پدر معلول بود و هوای رطوبتی شمال برایش خوب نبود و نمی‌توانست کار کند. با به‌دنیا آمدن دومین فرزند که محمد بود، عموها خانواده را به شهرستان ایرانشهر

آوردند تا پدر محمد از هوای رطوبتی دور بشود و بتواند کار کند. پدر مشغول کار کشاورزی می‌شود و باز هم بچه‌دار می‌شوند. ۴ خواهر و برادر دیگر محمد از او کوچک‌ترند و در ایرانشهر به دنیا آمده‌اند.

محمد در مورد شرایط فعلی خانواده می‌گوید: پدرم که دیگر نمی‌تواند کار کند، خودم و دوتا از برادرها کارگریم و بنایی می‌کنیم. یکی از خواهرهایم با فامیل مادریم ازدواج کرده و در مینودشت زندگی می‌کند. خواهر کوچک‌ترم درس حوزه می‌خواند و برادر آخری هم دبیرستان می‌رود و هم درس حوزه می‌خواند. بقیه نتوانستیم درس بخوانیم. خواهر و برادرهای دیگرم تا پنجم درس خواندند و خودم تا دوم راهنمایی. در مدرسه ثبت‌ناممان می‌کردند اما بعدش ازمان مدرک می‌خواستند. ما هم چون مدرک نداشتیم مجبور به ترک تحصیل شدیم. هر چی بدبختی می‌کشیم از همین شناسنامه نداشتنمان است. عامل همهٔ بدبختی‌هایمان است. ما همه کارت آمایش ۱۷ داریم اما به درد نمی‌خورد. الان برای کار هم نمی‌توانیم قرارداد ببندیم و همین‌طور شفاهی است و بعد خیلی جابه‌جا می‌کنند و پولمان را نمی‌دهند، ما هم نمی‌توانیم حقممان را بگیریم چون کد ملی نداریم. کارت بانکی هم من پیگیری کردم، گفتند فلان مدارک را بیاور، بردم اما ندادند. برای ما حساب باز نمی‌کنند. فقط یک‌بار دیدم در ادارهٔ اتباع نوشته بود، بانک مسکن زاهدان حساب باز می‌کند اما چون اگر مثلاً رمزش اشتباه باشد یا بسوزد، باید بروی زاهدان، دیگر من باز نکردم و با کارت بقیه کار می‌کنم. کلاً شناسنامه که نداری همش مشکل است. این ایست‌ها و این‌ها هم خیلی گیر می‌دهند که شناسنامه نداری و تاریخ کارت هم گذشته باشد، می‌گیرند. ما وقتی برای تمديد می‌رویم زاهدان از فرعی می‌رویم. می‌گیرند و می‌برند اردوگاه در زاهدان و خیلی اذیت می‌کنند و باید یکی بیاید دنبال کارهایت و بعد چند روز رها می‌کنند. وقتی می‌خواهیم برویم مینودشت خانه خانم این‌ها فقط ۱۵ روز می‌دهند و

اگر دیر کنیم کوله سنگی (ایست بازرسی بین زاهدان و بم) که بررسی می‌گیرند، برای همین ما سه سال است که نرفته‌ایم. با این حرف محمد بود که متوجه شدم ازدواج کرده و همسرش ایرانی است. در مورد همسرش پرسیدم و گفت که همسرش دختر دایی‌اش هست و ازدواجشان را ثبت نکرده‌اند. یک دختر ۶ ساله، یک پسر ۴ ساله و یک دختر یک‌ساله و نیمه دارند که هیچ مدرکی ندارند. بچه‌ها در خانه به دنیا آمده‌اند و گواهی تولد هم ندارند. گفت: بیمارستان گران بود. عمه‌ام هم قابله بود، آمد و کمک کرد و بچه‌ها در خانه به دنیا آمدند. برای بچه‌ها هنوز درخواست مدرکی نداده بودند. محمد و سه تا از خواهر و برادرهایش قبلاً طبق ماده‌واحد ۸۵ هم درخواست شناسنامه داده بودند. سه نفر از ۱۸ رد شده بودند و یکی که تازه ۱۸ سالش شده بود، با هم درخواست دادند اما هیچ خبری نشد و جوابی نگرفتند. خبر قانون جدید که آمد دوباره رفتند اداره اتباع زاهدان و برای همه خواهر و برادرها درخواست دادند. محمد می‌گوید: سه سال پیش درخواست دادیم اما هنوز جوابی ندادند. وقتی می‌رویم می‌گویند پرونده را دادیم به اطلاعات ولی جوابی ندادند. می‌گوییم اداره اطلاعات را به ما نشان بدهید که از آنجا پرسیم، می‌گویند نمی‌دانیم، می‌آید پرونده‌ها را می‌گیرد و می‌رود و ما اصلاً نمی‌دانیم در کدام ماشین سوار می‌شود و از کدام سمت می‌رود. درخواست‌ها اینجا خیلی زیاد است. چند وقت پیش زنگ زدم زاهدان، خودش گفت هنوز یک شناسنامه هم صادر نکردیم اما یک مسئول دیگر گفت تا حالا تو سیستان و بلوچستان هم شناسنامه داده‌ایم.

### مسائل فرهنگی و اجتماعی مادر ایرانی‌ها

بی‌هویتی قانونی مادر ایرانی‌ها و نداشتن شناسنامه موجب می‌شود که فرد درگیر مسائل عدیده‌ای بشود. فرد بدون مدرک هویتی از خدمات اجتماعی

محروم می‌شود و این محرومیت تبعات فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی برای فرد دارد. به عبارتی این ساختار قانونی نتایج فرهنگی برای فرد به بار می‌آورد که اهمیتش نه تنها در زندگی خود فرد، بلکه در جامعه هم نمودار است. ساختار قانونی فعلی موجب اشکال در فرآیند هویت‌یابی این افراد می‌شود و لذا فرد دچار سرگردانی هویتی می‌گردد؛ بسیاری از مادر ایرانی‌ها می‌گویند که بر خوردها برایشان به گونه‌ای هست که نمی‌دانند متعلق به ایران هستند یا کشور پدری، هر چند خودشان را بیشتر به سمت مادر متمایل می‌دانند اما این گونه پذیرفته نشده‌اند. از دیگر نتایج فرهنگی این ساختار قانونی، اختلالی است که در روابط اجتماعی این افراد پیش می‌آید. این مهم منجر می‌شود که مورد تحقیر و تبعیض قرار بگیرند و ادغام فرهنگی و اجتماعی‌شان در جامعه به درستی اتفاق نیفتد. می‌دانیم که آموزش بخش مهمی در ادغام فرهنگی و اجتماعی افراد در یک جامعه است و بخش مهمی از خدمات اجتماعی که این افراد از دسترسی به آن محروم هستند (حتی اگر نگوییم به‌طور مطلق محروم هستند اما برای دستیابی به آن با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند که این چالش‌ها موجب می‌شود بخشی از این افراد از تحصیل بازمانند) خدمات آموزشی است. بنابراین می‌بینیم که فرآیند ادغام افراد تاکنون به درستی انجام نشده است. از این رو گام اول برای حل مسائل این افراد مسئله تابعیت و اصلاح و اجرای قانون است اما این همه ماجرا نیست. مسائل فرهنگی و اجتماعی که این افراد با آن مواجه هستند پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و نیازمند رسیدگی است که پس از رفع ایراد قانونی تازه به آن خواهیم رسید. تاکنون پذیرش فرهنگی این افراد در جامعه آن گونه که باید اتفاق نیفتاده است و در ادامه برای به انجام رسیدن، نیاز به فرهنگ‌سازی در این زمینه و برنامه‌های فرهنگی است (تکاوران، ۱۳۹۹).

### تجربه زیسته تبعیض آمیز

تجربه زیسته فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

حاکمی از برخوردهای تبعیض آمیز است و این روند تا الان که چند سال از تصویب قانون اعطای تابعیت به این افراد می‌گذرد نیز پابرجاست. همه آن‌ها از این سخن می‌گویند که دیگران وقتی متوجه می‌شوند که پدربزرگ ایرانی نیست، جور دیگری برخورد می‌کنند و دیگر از دایرهٔ دوستان و اطرافیانی که تا پیش از این با آن‌ها ارتباط داشته‌ای خارج می‌شوی. رفتارهای تبعیض آمیز و نگاه‌های اذیت‌کننده شروع می‌شود و دیگر نمی‌توانی مانند یک فرد عادی زندگی کنی. به گفتهٔ مصاحبه‌شونده‌ها این تجربهٔ تبعیض در مدرسه بیشتر خودش را نشان می‌دهد. از معلم شروع می‌شود که با تو جور دیگری برخورد می‌کند و به هم‌کلاسی‌ها می‌رسد که برخوردها و تمسخرهایشان نمی‌گذارد در مدرسه مثل بقیه باشی. این مسائل در محیط کار هم وجود دارد و مانع از این می‌شود که این افراد بتوانند به راحتی کار کنند و از حق و حقوقشان بهره‌مند گردند. مدرسه محل بسیار مهمی است؛ بچه‌ها آنجا تربیت می‌شوند و یاد می‌گیرند که چطور با دیگران برخورد کنند، تجربیات این افراد نشان می‌دهد که بعد فرهنگی در مدرسه کم‌رنگ است و برخوردهای نامناسب اهالی مدرسه زخم‌هایی به روح این کودکان زده است که بعد از گذشت سال‌ها هنوز برایشان ترمیم نشده است. عده‌ای از این بچه‌ها نیز به خاطر نداشتن مدرک و مسائلی که در مدرسه وجود داشته مجبور شده‌اند کلاً ترک تحصیل کنند. به علاوه آموزش بچه‌ها در مدرسه تکمیل می‌شود، ابعاد فرهنگی و اجتماعی شخصیتشان ساخته می‌شود و مهارت‌هایی را می‌آموزند، تا بتوانند در جامعه حضور پیدا کنند و کاری را به عهده بگیرند. خیلی از فرزندان مادر ایرانی به خاطر مدارک هویتی که ندارند، از تحصیل بازمی‌مانند و نمی‌توانند در جایی آموزش ببینند. حالا که بعد از گذشت چند دهه از زندگی‌شان به شناسنامه دست پیدا می‌کنند، فرصت تحصیل را از دست داده‌اند و دیگر نمی‌توانند به مدرسه برگردند و نتایج این شرایطی که تجربه کرده‌اند در زندگی‌شان تداوم خواهد داشت.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تنها در ۷ کشور دنیا برای انتقال تابعیت بین زن و مرد تفاوت وجود دارد و ایران جزء این هفت کشور است. از آنجایی که جمعیت زیادی در کشور درگیر این مسئله هستند، این مسئله قابل چشم‌پوشی نیست و باید برای حل آن چاره‌ای اندیشید. سیاست‌گذاری برای حل این مسئله چند دهه طول کشیده و هنوز هم به طور کامل حل نشده است. در این گزارش در پی این بودیم که روند قانونی طی شده در مورد این موضوع را شرح دهیم و با ارائه آمارهای موجود و روایت‌های زندگی وضعیت این افراد را بازگو کنیم و مسائل فرهنگی‌شان را توضیح دهیم تا بتوانیم پیشنهادات مؤثری در این زمینه ارائه بدهیم که بتواند منجر به حل این مسئله بشود.

قانون‌گذاری و اجرای آن برای اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی فرازوفرودهای بسیاری را در دهه‌های اخیر طی کرده است. مهم‌ترین مسئله‌ای که در حال حاضر با آن مواجه هستیم این است که در سال ۱۳۹۸ قانونی تصویب شد که امید آن می‌رفت این مسئله را به‌خوبی حل کند. اما می‌دانیم که بر اساس آمارها اجرای این قانون چند سال پس از تصویب آن چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. هنوز بسیاری از مشمولین این قانون نتوانسته‌اند شناسنامه بگیرند و در استان سیستان و بلوچستان که بیشترین تعداد مادر ایرانی‌ها را دارد، فقط ۴ نفر از یک خانواده موفق به دریافت شناسنامه شده‌اند. اکنون باید تمرکز بر تسریع روند اجرای قانون باشد اما می‌بینیم که طرح سازمان مللی اقامتی در مجلس مطرح و تصویب می‌شود که کلاً این قانون را لغو می‌کند و ما را به نقطه‌ی مقابل صفر می‌برد.

به‌علاوه ما می‌دانیم که اصلاح و اجرای قانون همه‌ی ماجرا نیست و مسائل فرهنگی و اجتماعی که این افراد طی سال‌ها با آن مواجه بوده‌اند، با صرف دریافت شناسنامه حل نمی‌شود. ما نیازمند برنامه‌های فرهنگی هستیم که بتواند روند ادغام فرهنگی و اجتماعی این افراد را بهبود ببخشد و به پذیرش فرهنگی اینان در جامعه کمک برساند.



## پیشنهادات

- بازبینی جدی طرح سازمان ملّی مهاجرت برای رسیدن به طرحی جامع که به بهبود وضعیت کمک کند.
- حذف ماده ۴۱ طرح سازمان ملّی اقامت و تداوم اعطای شناسنامه به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی
- سرعت بخشیدن به رسیدگی به پرونده‌های تشکیل شده برای دریافت تابعیت مادرانه و بازگرداندن قید زمان برای نتایج استعلام‌های امنیتی
- در متن قانون مصوب سال ۱۳۹۸ الزامی به ثبت ازدواج نبود و کسانی که ازدواج شرعی داشتند هم می‌توانستند برای دریافت شناسنامه اقدام کنند. می‌بینیم که در اجرا چنین نیست و نیاز است برای رفع کامل بی‌شناسنامه‌گی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی به اصل قانون عمل شود.
- مورد دیگری که بعداً در روند اجرای قانون سال ۱۳۹۸ اضافه شده است، این نکته مهم است که مادر باید پیش از تولد فرزند شناسنامه داشته باشد. می‌دانیم که اکنون با نسل دوم و سوم مادر ایرانی‌ها مواجه هستیم و در خیلی از موارد مادر خود حاصل ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی است و پس از تولد فرزندش شناسنامه دریافت کرده است و با اضافه شدن این نکته در روند اجرا بسیاری از این افراد از دستیابی به شناسنامه محروم می‌شوند. نیاز است که این روند اصلاح گردد و به اصل قانون عمل شود.
- در متن قانون مصوب به مدرک قانونی پدر تأکید نشده است و می‌دانیم که در بسیاری از این خانواده‌ها پدر مدرک ندارد، حال در دفاتر کفالت برای دریافت شناسنامه مادرانه، مدرک پدر را جزء مدارک قرار داده‌اند که بخشی از این افراد را از دریافت شناسنامه محروم می‌کند و نیاز به اصلاح روند و عمل به اصل قانون وجود دارد.
- اعطای اقامت دائم ایران به مرد خارجی که با زن ایرانی ازدواج کرده است.

– اصلی‌ترین مسئلهٔ مادرایرانی‌ها نداشتن شناسنامه است اما این همهٔ ماجرا نیست و این افراد با مسائل فرهنگی و اجتماعی بسیاری درگیر هستند که نیاز است به آن‌ها توجه و رسیدگی بشود؛ تدوین برنامه‌هایی برای آموزش و ادغام فرهنگی این افراد در جامعه (الف) این افراد به لحاظ فرهنگی در جامعه پذیرفته نشده‌اند، به عبارتی روند ادغام فرهنگی اجتماعی این افراد در جامعه به‌درستی طی نشده است و نیاز است برنامه‌هایی برای ادغام فرهنگی و اجتماعی این افراد در جامعه تدوین گردد.

ب) چندین سال از فرمان مقام معظم رهبری برای اینکه هیچ بچه‌ای از تحصیل بازماند و تصویب قانون مرتبط با تابعیت مادرایرانی‌ها می‌گذرد. قانونی که متذکر می‌شود این افراد باید حتی قبل از دریافت شناسنامه هم بتوانند از خدمات آموزشی بهره‌مند بشوند اما می‌بینیم که در عمل هنوز هم مادرایرانی‌ها به‌خاطر نداشتن شناسنامه از تحصیل بازمی‌مانند و نیاز جدی وجود دارد که روند ثبت‌نام این افراد در مدرسه و دسترسی‌شان به خدمات آموزشی تسهیل گردد. به‌علاوه با توجه به تجربه‌های تبعیض‌آمیز و ناخوشایند این افراد در مدرسه نیاز است که برنامه‌هایی فرهنگی برای حل این مسئله در مدارس برای دانش‌آموزان و معلمان طراحی و اجرا گردد.

پ) تأثیر فرهنگی و اجتماعی رسانه در دنیای امروز انکارناپذیر است. می‌دانیم که رسانه‌ها در این مورد گام‌های مثبت کمی برداشته‌اند، در حدی که می‌توانیم بگوییم نقش خود را به‌درستی و به‌طور کامل ایفا نکرده‌اند و نیاز است که سیاست‌های رسانه‌ای صحیحی در این باره تدوین و اجرا گردد.

## فهرست منابع

- توسلی نائینی، منوچهر و عبدالواحد افضلی. ۱۳۹۲. «تحولات حقوقی قانون تابعیت افغانستان در زمینه ازدواج با بیگانگان در مقایسه با قانون تابعیت ایران». فصلنامه علمی تخصصی گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی دانشگاه علم و فرهنگ. ۲ (۲). ۲۲-۹.
- تکاوران، قمر. ۱۳۹۹. «مادرایرانی: در کشاکش هویت قانونی برای فرزندان از مادر ایرانی و پدر خارجی». تهران: اندیشه احسان.
- تکاوران، قمر. ۱۴۰۲. «وضعیت مهاجرت ایران؛ بررسی روندهای مهاجرت از ایران و مهاجرت به ایران». مرکز رصد فرهنگی کشور.
- تیم ارتقای عملکرد دفتر مطالعات رفاه اجتماعی. ۱۳۹۷. «بررسی وضعیت خانوارهای زنان دارای همسر خارجی». معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- حقیقت‌طلب، پیمان و محسن شهرابی. ۱۳۹۷. «فرزندان حاصل از ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی: بررسی مشکلات، مسائل و ارائه راهکارها». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های سیاسی-حقوقی، دفتر مطالعات سیاسی.
- حقیقت‌طلب، پیمان. ۱۴۰۰. «اصلاح قانون اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی: از تصویب تا مشکلات اجرایی و راهکارهای پیشنهادی». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. کد موضوعی: ۲۱۰، شماره مسلسل: ۱۷۹۹۶.
- نصر اصفهانی، آرش. ۱۳۹۸. «نگرش ایرانیان به مهاجران افغانستانی». دفتر معاونت اجتماعی شهرداری تهران و دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سایت شورای نگهبان: <https://www.shora-gc.ir>
- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa>
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مدنی ایران.
- وزارت کشور، مجموعه اطلاعات ثبتی.
- تکاوران، قمر. ۱۰ خرداد ۱۴۰۱. «بن‌بست‌های دریافت شناسنامه مادرانه». روزنامه شرق. قابل دسترس در: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-847543>

- خبر آنلاین. ۱ آذر ۱۴۰۱. «تصویب قانون پرابهام در مجلس؛ اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی به روز می‌شود یا حذف؟». قابل دسترس در:

[khabaronline.ir/xjasm3](http://khabaronline.ir/xjasm3)

[اردیبهشت ۱۴۰۲]

- خبر آنلاین. ۲ آذر ۱۴۰۱. «طرح مجلس برای لغو قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی/ واکنش چهار نماینده زن؛ از «نمی‌دانم» تا «تلاش می‌کنیم اصلاح شود». قابل دسترس در:

[khabaronline.ir/xjstZ](http://khabaronline.ir/xjstZ)

[اردیبهشت ۱۴۰۲]

- خبرگزاری تسنیم. ۲۳ اسفند ۱۴۰۱. «درخواست شورای عالی امنیت ملی از مجلس درباره فوریت بررسی طرح تأسیس سازمان ملی اقامت». قابل دسترس در:

[yun.ir/grhgeg](http://yun.ir/grhgeg)

[اردیبهشت ۱۴۰۲]

- Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, Diana Glazebrook, Gholamreza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian, Rasoul Sadeghi (2008). Second-generation Afghans in Iran: Integration, Identity and Return. Afghanistan Research and Evaluation Unit. UNHCR and EC.



براساس داده‌های موجود، تعداد فرزندان بی‌شناسنامه حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی بیش از ۱۰۰ هزار نفر است. بسیاری از این افراد بیشتر خود را به سمت مادر متمایل می‌دانند اما در جامعه این‌طور پذیرفته نشده‌اند و از این‌رو درگیر سرگردانی هویتی هستند. بی‌هویتی قانونی مادر ایرانی‌ها نتایج عمیق فرهنگی در زیستار فردی افراد و جامعه پیرامونی به‌وجود می‌آورد و در نسل‌های بعدی آسیب‌های فرهنگی اجتماعی بزرگ‌تری را در پی خواهد داشت.

این گزارش در تلاش است تا روند قانونی طی‌شده در مورد قانون تابعیت مادرانه را به‌طور خلاصه شرح دهد و با ارائه آمارهای موجود و روایت‌هایی از زندگی این افراد وضعیت فعلی را روشن کند. به‌علاوه با تشریح ابعاد فرهنگی زیستار مادر ایرانی‌ها بتواند پیشنهادات مؤثری برای سیاست‌گذاری در این حوزه ارائه دهد.

